

راز جاودانگی قیام عاشورا

دکتر مجید ابهری

عضو هیات
علمی دانشگاه
شهید بهشتی



در صفحات تاریخ خونین تشیع، صحنه‌های خونبار و غم‌انگیز زیادی را در حافظه دارد که یکی از این وقایع حادثه بزرگ عاشورا و قیام امام حسین (ع) در کربلاست.

اما علت جاودانگی قیام عاشورا چه بود؟

براساس قضاوت علمای شیعه و سنی و تفکرات دانشمندان غیرمسلمان، مظلومیت حسین (ع) و نامردی اطرافیان هیچ‌کدام به اندازه حقانیت و حق طلبی و ثبات‌نظر و ثبات قدم حسین (ع) والا و تابناک نبوده و نیست.

از یکطرف در میان سپاه فرزند فاطمه (س) از نوزاد شش ماهه تا پیر غلام ۷۷ ساله حضور داشت.

در مجموعه هفتاد و دو نفره سپاه حق از خرمافروش پیر تا جوان ۱۷ ساله حضور داشتند و جان خود را برطبق اخلاص نهاده و خانوارشان را به اسارت دادند. چرا؟

ستارگان درخشان آسمان امامت و حقانیت صرفا خود را طعمه شمشیرهای برنده کردند تا کلمه حق پایدار بماند.

این مردان درخشان کمترین احتمال را در پیروزی و برد خود نمی‌دادند؛ پس چرا قدم به این میدان خاک و خون نهادند؟ پاسخ به این سؤال از عهده هر اهل نظر و منطق برآمده و قابل بیان است.

شکست در راه خدا پیروزی و مرگ در این راه حیات جاودان است.

مرگ دیر یا زود گریبان همه ما فرزندان بشر را گرفته و دیار دیگر می‌برد.

خوشابر حال و سعادت کسانی که راه خدا را برگزیدند و زندگی جاوید را بر لذت موقت دنیایی نفروختند. چه نیکو برندگان هستند در فردای جاوید.

عزاداری برای شهادی کربلا با قصد دسترسی به بهشت، تجارت است و از ترس جهنم، بردگی و تقاضای دنیا و زشت و زیبای دنیوی، تجارت با مظلومیت خون خداست.

گریه کردن برای حسین به خاطر قدرشناسی دشمنان و حق‌شناسی دوستان، بلکه به واسطه اتصال روحی و معنوی با این یادگار ارزنده عشق است که ارزشمند می‌شود.

امسال در محرم و عاشورا عاشقان را می‌شماریم.

درنگ

سلام بر بیرق تو

دل‌بسته بیرق تو ام به قایت تمام عمر.

دل‌بسته آن رد روشن ترا از اظهر من الشمس.

دل‌بسته بوییدن و بوسیدن از سر ادرات به گوشه پرچم افرشته ات.

دل‌بسته جای داغ و قند شیرین ترا ز هر شهدی که بی‌مانند است.

دل‌بسته گریه‌ها و مویه‌های هم‌هیأتی‌ام که در پی تو چه شوری می‌دهد به این بزم عاشقانه.

دل‌بسته صاحب تو که مظلوم تاریخ شد و بهترین بهانه برای رفتن به قاب تضرع و توصل به خدای تو.

ماییم و این دل‌بستگی‌ها که در کشاکش سختی‌های روزگاران آرام‌مان می‌کند و امیدوار به رفتن در پی تو.

این دل‌بستگی‌های قشنگ و راهگشا را از ما نگیر.



گفت‌وگو

گزارش

یادداشت

اینفو

وب‌سایت

معرفی یکی از زیباترین و درخشان‌ترین رمان‌های مذهبی و عاشورایی

«پدر، عشق و پسر»؛ روایتی عاشقانه از یک رابطه

امیرعلوی

خبرنگار چارویواری

«پدر، عشق و پسر» عاشقانه‌ای متفاوت از یک عشق آسمانی است. عشقی که میان پدری همچون حسین (ع) و پسری همچون علی اکبر (ع) جاری می‌شود. این کتاب را سید مهدی شجاعی به رشته تحریر درآورده تا یکی از زیباترین و درخشان‌ترین رمان‌های مذهبی باشد که فرازهایی از زندگی حضرت علی اکبر (ع) را برای شما به تصویر می‌کشد.

کتاب



رویدادها و اتفاقات در این کتاب صوتی از زاویه اول شخص و از زبان اسب حضرت علی اکبر (ع) به نام عقاب بیان می‌شود و مخاطب راوی در قصه، مادر ارجمند حضرت علی اکبر، لیلی بنت ابی مره است. کتاب از ۱۰ مجلس تشکیل شده که در هر مجلس، عقابی با زبانی شیرین و جذاب، پرده‌ای از زندگی حضرت علی اکبر (ع) را بازگو می‌کند و مجالس پایانی، شهادت آن حضرت در کربلا را به نمایش می‌گذارند. هر قسمتی از زندگی حضرت علی اکبر (ع) که در مجالس ده‌گانه نشان داده می‌شود در پایان به واقعه کربلا مربوط می‌شود و به همین دلیل، تمام مجالس رنگ عاشورایی خود را حفظ می‌کند.

بخش اول به روایت چگونگی رسیدن عقاب به حضرت علی اکبر می‌پردازد. بخش دوم درباره تولد آن حضرت و شباهت‌شان به پیامبر است. بخش سوم درباره پابندی آن حضرت نسبت به امام حسین (ع) به نگارش درآمده. بخش چهارم در مورد سقایت آن حضرت، قبل از حضرت ابوالفضل است. بخش پنجم روایتی زیبا و دلنشین از به میدان نبرد رفتن حضرت علی اکبر (ع) و ارتباط عمیق او با امام حسین (ع) است. بخش ششم شجاعت‌ها و دلاوری‌های آن حضرت در میدان نبرد را شرح می‌دهد. بخش هفتم به عطش نامحدود آن حضرت اشاره می‌کند. بخش هشتم تیر خوردن حضرت در میدان نبرد را به تصویر می‌کشد. بخش نهم درباره به شهادت رسیدن حضرت علی اکبر (ع) است و بخش آخر به مصیبت کربلا می‌پردازد. در حقیقت این کتاب صوتی یکی از ناب‌ترین و احساسی‌ترین آثار است که به روایت واقعه کربلا پرداخته است. با وجود این‌که حضرت علی اکبر در واقعه عاشورا، نقش پررنگی را ایفا کردند اما در کتاب‌های بسیار کمی به نقش ایشان پرداخته شده از این رو این کتاب می‌تواند منبع و مرجع خوبی برای معرفی و شناخت آن حضرت باشد.

در قسمتی از کتاب صوتی پدر، عشق و پسر می‌خوانیم:

«عجیب بود رابطه میان این پدر و پسر. من گمان نمی‌کنم در تمام عالم، میان یک پدر و پسر این همه تعلق، این همه عشق، این همه انس و این همه ارادت حاکم باشد. من همیشه مبهوت این رابطه‌ام. گاهی احساس می‌کردم که رابطه حسین (ع) با علی اکبر (ع) فقط رابطه یک پدر و پسر نیست؛ رابطه یک باغبان با زیباترین گل آفرینش است، رابطه عاشق و معشوق است، رابطه دو انیس و همدل جدایی‌ناپذیر است. احساس می‌کردم رابطه علی اکبر (ع) با حسین (ع)، فقط رابطه یک پسر با پدر نیست؛ رابطه مأموم و امام است، رابطه مرید و مراد است، رابطه عاشق و معشوق است، رابطه محب و محبوب است و اگر کفر نبود، می‌گفتم رابطه عابد و معبود است.»



حسین سرود انسانیت است

شما در جهان یک شخصیت حماسی مانند شخصیت حسین بن علی از نظر شدت حماسی بودن و از نظر علو و ارتفاع حماسه یعنی جنبه‌های انسانی نه جنبه قومی و ملی، پیدا نخواهید کرد. حسین سرود انسانیت است، نشید انسانیت است و به همین دلیل نظیر ندارد و به جرأت عرض می‌کنم که نظیر ندارد. شما در دنیا حماسه‌ای مانند حماسه حسین بن علی پیدا نخواهید کرد، چه از نظر قدرت و قوت حماسه و چه از نظر علو و ارتفاع و انسانی بودن آن. متأسفانه ما مردم این حماسه را نشناخته‌ایم. حادثه عاشورا و تاریخچه کربلا دو صفحه دارد؛ یک صفحه سفید و نورانی، یک صفحه تاریک، سیاه و ظلمانی که هر دو صفحه‌اش یا بی‌نظیر است یا کم‌نظیر.

اما صفحه سیاه و تاریکش از آن نظر سیاه و تاریک است که در آن فقط جنایت بی‌نظیر یا کم‌نظیر می‌بینیم. یک وقت حساب کردم و ظاهراً در حدود بیست و یک نوع پستی و لثامت در این جنایت دیدم و خیال هم نمی‌کنم در دنیا چنین جنایتی پیدا بشود که تا این اندازه تنوع داشته باشد، البته در تاریخچه جنگ‌های صلیبی، جنایت‌های اروپایی‌ها خیلی عجیب است.

شرقی هرگز از نظر جنایت به غربی نمی‌رسد. شما اگر در تمام تاریخ مشرق زمین بگردید، دو جنایت را حتی در دستگاه اموی پیدا نمی‌کنید؛ یکی آتش زدن زنده زنده و دیگر قتل عام کردن زنان، ولی در تاریخ مغرب‌زمین این دو نوع جنایت فراوان دیده می‌شود. زن کشتن در تاریخ مغرب‌زمین یک امر شایعی است. هنوز هم باور نکنید که اینها روح انسانی داشته باشند. آنچه در ویتنام صورت می‌گیرد ادامه روحیه جنگ‌های صلیبی و جنگ‌های اندلس آنهاست. این کار که چندصد هزار نفر را زنده زنده در کوره آتش بگذارند - ولو این افراد جانی هم باشند - کار مشرق‌زمینی نیست و از عهده مشرق‌زمینی چنین جنایتی بر نمی‌آید.

به هرحال من جرأت نمی‌کنم بگویم جنایتی مثل جنایت کربلا در دنیا وجود نداشته است، ولی می‌توانم بگویم در مشرق زمین وجود نداشته است. از این نظر حادثه کربلا یک جنایت و یک تراژدی است، یک مصیبت است، یک رثاء است. این صفحه را که نگاه می‌کنیم، در آن کشتن بی‌گناه می‌بینیم، کشتن جوان می‌بینیم، کشتن شیرخوار می‌بینیم، اسب بر بدن مرده تاختن می‌بینیم، آب ندادن به یک انسان می‌بینیم، زن و بچه را شلاق زدن می‌بینیم، اسیر را بر شتر بی‌جهاز سوار کردن می‌بینیم. از این نظر قهرمان حادثه کیست؟ واضح است، وقتی که حادثه را از جنبه جنایی نگاه کنیم، آن‌که می‌خورد قهرمان نیست، آن بیچاره مظلوم است. قهرمان حادثه در این نگاه یزید بن معاویه است، عبیداء... بن زیاد است، عمر سعد است، شمر بن ذی الجوشن است، خولی است و یک عده دیگر. لذا وقتی که صفحه سیاه این تاریخ را مطالعه می‌کنیم، فقط جنایت و رثای بشریت را می‌بینیم. پس اگر بخواهیم شعر بگوییم چه باید بگوییم؟ باید مرثیه بگوییم و غیر از مرثیه چیز دیگری نیست که بگوییم. باید بگوییم: زان تشنگان هنوز به عیوق می‌رسد

فریاد العطش ز بیابان کربلا

برگرفته از کتاب حماسه حسینی

استاد شهید مرتضی مطهری

